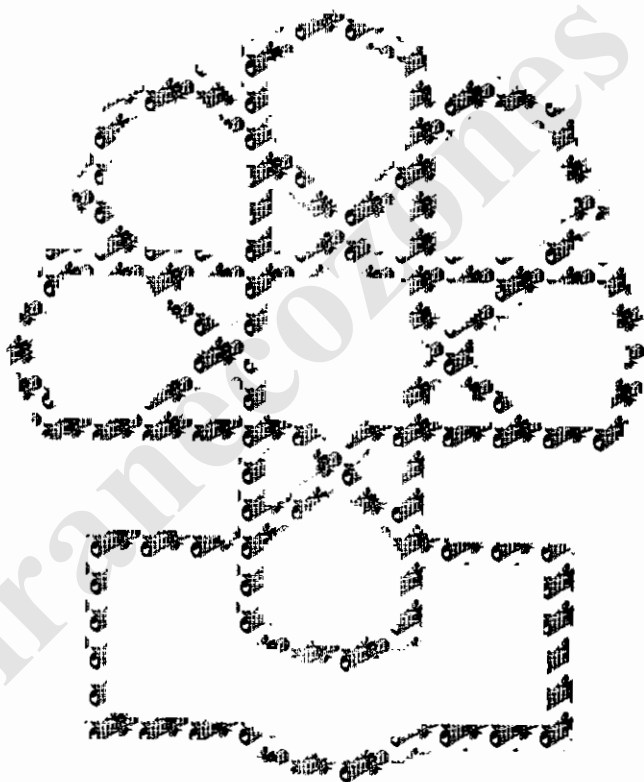


پیرامون لایحه اصلاح قانون مناطق آزاد (۱)

دلایل عدم موفقیت مناطق آزاد در ایران



معاونت پژوهشی

آذر ماه ۱۳۷۴

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

ویرایش دوم

کد گزارش: ۱۵۰۰۹۳۱

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول: مروری بر ریشه‌های کارکرد موفق مناطق آزاد

۱- جنبه‌های فرهنگی و سیاسی

۲- جنبه‌های قانونی

۳- جنبه‌های اقتصادی

۴- جنبه‌های جغرافیایی

فصل دوم: کارکرد مناطق آزاد در ایران

فصل سوم: علل عدم موفقیت مناطق آزاد در ایران

■ - دلایل کارکرد موفقیت‌آمیز مناطق آزاد در نقاط مختلف جهان را می‌توان در موارد زیر دانست:

- * وجود روابط سیاسی و فرهنگی مناسب میان کشورها
- * وجود تسهیلات و امتیازات قانونی در مناطق آزاد از جمله معافیت‌های کمرگی و مالیاتی، آزادی ورود و خروج سرمایه خارجی، آزادی استخدام اتباع خارجی و ...

* هماهنگی میان برنامه‌ها و سیاست‌های به کار گرفته شده در مناطق آزاد و استراتژی توسعه کشور میزبان، وجود بازارهای مناسب، امکانات زیربنایی اقتصادی، وجود نیروی کار ارزان و ...

- * وجود شرایط جغرافیایی مناسب

■ - علل عدم موفقیت مناطق آزاد ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- * خصوصیت‌های سیاسی از سوی ابرقدرتها با جمهوری اسلامی ایران و حساس بودن منطقه خلیج فارس این ذهنیت را در کارآفرینان اقتصادی به وجود آورده که این منطقه از ثبات سیاسی و امنیت لازم برای سرمایه‌گذاریهای اقتصادی برخوردار نیست.

- * عدم حق مالکیت صددرصد خارجیان

- * برخورداری یکسان تمامی فعالیت‌های مناطق آزاد ایران (سرمایه‌گذاری صنعتی، تجاری و واسطه‌ای) از معافیت مالیاتی.

- * محدودیت نسبی در استخدام اتباع خارجی از نظر ضوابط قانونی
- * وجود محدودیت در مقررات ارزی و روشن نبودن جزییات نظام ارزی مناطق آزاد.

- * تداخل وظایف رئیس منطقه آزاد و سایر نهادهای انتظامی و کشوری
- * عدم وجود سازگاری میان استراتژی توسعه کشور و کارکرد کلی مناطق آزاد ایران

- * بالا بودن سطح دستمزدها در مناطق آزاد ایران در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه

- * بالا بودن هزینه ایجاد هر شغل در مناطق آزاد ایران
- * بالا بودن نرخ اجاره زمین (برای فعالیت‌های تجاری) در مناطق آزاد نسبت به مناطق آزاد همجوار.

مناطق آزاد در دهه‌های گذشته از اهمیت زیادی در نظام اقتصاد بین‌الملل برخوردار شده‌اند. علل شکل‌گیری و رشد این مناطق ریشه در ضرورت‌های رشد و گسترش فضای رقابتی در اقتصاد جهانی و گسترده شدن ابعاد بازارهای بین‌المللی دارد. برای درک این ضرورت‌ها و تأثیر آنها بر کارکرد موفق و مناسب مناطق آزاد لازم است نگاهی کوتاه به دو مقوله «کارآفرینی» و «رقابت» در اقتصاد بازار داشته باشیم و نهایتاً به کمک این مباحث به بررسی خویش پیرامون علل عدم موفقیت مناطق آزاد در کشورمان بپردازیم.

از دیدگاه تئوری اقتصادی، کارآفرینان کسانی هستند که با هوشیاری خاص خویش فرصت‌های سودآور را در اقتصاد کشف کرده و عوامل اقتصادی مختلف شامل نیروی انسانی، سرمایه، منابع طبیعی و تکنولوژی را در جهت کسب چنین فرصتهایی هماهنگ می‌کنند. این فعالیت‌های کارآفرینانه نهایتاً زمینه‌ساز شکل‌گیری مکانیزم قیمت‌های نسبی و به وجود آمدن گرایش‌های تعادلی در اقتصاد گردیده که رشد و توسعه اقتصادی ثمره همین گرایش‌های تعادلی خواهد بود. اما در عین حال تئوری اقتصادی تأکید می‌کند که کشف‌های کارآفرینانه به عنوان اساس گرایش‌های تعادلی در اقتصاد بازار، نیازمند وجود شرایط و فضای رقابتی است که چنین فضایی خود نیازمند وجود پیش‌نیازهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی است. در توضیح این نکات به طور بسیار اجمالی باید گفت که رقابت به عنوان شیوه کشف فرصت‌های سودآور نقش اساسی در فراهم آوردن زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. فضای رقابتی به معنای شرایطی است که براساس آن همه کارآفرینان امکان ورود آزادانه به فرایند بازار را می‌یابند و این در شرایطی امکان‌پذیر می‌گردد که برای همه کارآفرینان امکان دسترسی به منابع وجود داشته باشد. بدین ترتیب هر عاملی که به نوعی مانع دسترسی همه کارآفرینان به منابع گردد در واقع از فضای رقابتی بازار کاسته و بر جنبه‌های انحصاری آن خواهد افزود^(۱). بنابراین، مجموعه پیش‌نیازهای اجتماعی شامل پیش‌نیازهای حقوقی، فرهنگی و غیره که به گونه‌ای بر دسترسی همه کارآفرینان به طور عادلانه به منابع اقتصادی تأثیر می‌گذارند و از توزیع ناعادلانه امکانات در جامعه جلوگیری می‌کنند باعث شکل‌گیری فضای رقابتی می‌گردند.

اکنون با توجه به دو مفهوم یاد شده و نقش آن در کارکرد بازارها می‌توان به جایگاه و علل موفقیت کارکرد مناطق آزاد در بازارهای بین‌المللی پرداخت. مفهوم و کارکرد مناطق آزاد را باید با توجه به نقش مرزهای ملی و قوانین گمرکی حاکم بر آنها در بازارهای جهانی و آثار حذف و یا کاهش موانع گمرکی و تعرفه‌ای در دسترسی کارآفرینان به منابع و در نتیجه گسترش فضای رقابتی و رشد اقتصادی بررسی کرد. مرزهای ملی که ریشه در فرهنگ، ایدئولوژی، قومیت‌ها و برخی دیگر از پارامترهای اجتماعی دارد، در واقع مرزهای اقتصاد ملی را به کمک وضع موانع گمرکی و تعرفه‌ای تعیین کرده‌اند. بدین ترتیب بازار جهانی در مقایسه با بازارهای ملی در بطن خود از موانع حقوقی بسیار گسترده‌تری برای حرکت و جابجایی آزادانه کارآفرینان اقتصادی و در پی آنها حرکت و انتقال تکنولوژی، کالاها و مواد اولیه برخوردار است.

در این شرایط، ابتکار تأسیس مناطق آزاد تجارتي-صنعتی راهبرد مفیدی در جهت گسترش فضای رقابتی در بازارهای جهانی بوده است که کشورهای تأسیس‌کننده می‌توانند از منافع چنین مناطقی بهره‌مند

1- I.M.Krizner, Competition and Entrepreneurship, (Chicago, The University of Chicago, 1973) Chicago and London.

شوند.

یکی از تعاریف مختلف مناطق آزاد می‌گوید:

"اصطلاح «منطقه آزاد» به معنای بخشی از سرزمین یک کشور است که در آنجا کالاهای وارد شده تا جایی که به حقوق و مالیات متعلق به واردات مربوط می‌گردد عموماً به عنوان کالاهای خارج از قلمرو گمرکی تلقی می‌گردند و مشمول نظارت‌های معمول گمرکی نمی‌شوند^(۱)."

این تعریف بیان‌کننده آن است که در این مناطق با حذف یا کاهش موانع گمرکی و تعرفه‌ای در بخشی از قلمرو مرزی و یا حتی مناطق داخلی یک کشور و اعطای تسهیلات و امتیازات قانونی در زمینه‌های اقتصادی و غیره در واقع امکان ورود آزادانه و گسترده‌تر کارآفرینان از خارج از مرزهای ملی و جذب سرمایه‌های آنان به اقتصاد میزبان میسر می‌گردد. در پی جذب این سرمایه‌هاست که تکنولوژی، کالاهای ابزار پیشرفته نیز به مناطق آزاد منتقل می‌گردد.

اهدافی همچون رشد صادرات، انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال و بالاخره ایجاد درآمدهای ارزی و رشد اقتصادی همگی در ارتباط با پیش‌نیازها و تسهیلاتی هستند که مناطق آزاد به واسطه امکانات اقتصادی، حقوقی، جغرافیایی و غیره در اختیار داشته و از آنها به مثابه اهرم‌های جذب سرمایه‌ها و تخصص‌ها به مناطق آزاد بهره می‌گیرند.

مناطق آزاد اگرچه از اهداف و کارکرد مشابه و یکسانی برخوردارند اما به واسطه برخی تفاوت‌ها در امکانات و یا امتیازاتی که در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی قرار می‌دهند در اشکال و انواع مختلفی شکل گرفته‌اند. توجه به این تفاوت‌ها در کنار وجوه اشتراک کلی میان آنها نقش مهمی در بررسی کارکرد موفق و یا علل عدم توفیق آنها ایفا می‌کند. برخی از مناطق آزاد به دلایلی مانند دسترسی به منابع و مواد اولیه و در اختیار داشتن نیروی کار فراوان و ارزان بیشتر به پردازش کالاهای صنعتی می‌پردازند، اگرچه فعالیتهای تجاری و یاتوریستی نیز ممکن است در آنها مشاهده گردد. این نوع مناطق به مناطق آزاد پردازش صادرات معروف هستند. در میان مناطق آزاد کشور منطقه آزاد قشم بیشتر از چنین شرایطی برخوردار است. برخی دیگر از مناطق آزاد بیشتر به فعالیتهای توریستی و سیاحتی اشتغال دارند و با جاذبه‌های طبیعی و مصنوعی خویش به جذب توریست‌ها و مهمانان خارجی می‌پردازند که منطقه کیش در میان مناطق آزاد کشور در این زمینه از امکانات بیشتری برخوردار است و بالاخره برخی مناطق آزاد که تحت عنوان مناطق ویژه حراست شده یا منطقه ویژه اقتصادی مطرح می‌گردند بیشتر از تسهیلات و امکاناتی جهت فعالیتهای تجاری برخوردار هستند. سیرجان نمونه چنین مناطق آزادی به شمار می‌آید. اگرچه باید گفت همه مناطق آزاد سعی می‌کنند تا اندازه‌ای به فعالیتهای مختلف نیز بپردازند اما وجه غالب فعالیت‌ها با توجه به ویژگی‌ها و امکانات خاص هر منطقه با یکی از این ابعاد می‌باشد.

اکنون بر اساس این مقدمات، ما البته به طور اجمال شرایط موفقیت یک منطقه آزاد را از جنبه‌های مختلف متذکر شده و سپس ضمن مقایسه آنها با شرایط موجود در مناطق آزاد کشور علل عدم موفقیت مناطق آزاد کشور را بررسی می‌کنیم.

1- United Nations, Treaty Series, Vol 1130, p. 335.

فصل اول: مروری بر ریشه‌های کارکرد موفق مناطق آزاد در جهان امروز

چهار جنبه اساسی را در مورد علل کارکرد موفق یک منطقه آزاد می‌توان برشمرد:

۱- جنبه‌های فرهنگی و سیاسی:

ورود کارآفرینان از جمله صاحبان صنایع و بازرگانان، و سرمایه‌های آنها از کشورهای خارجی به مناطق آزاد کشور میزبان قبل از هر چیز نیازمند وجود روابط سیاسی و فرهنگی مناسب میان کشورهاست. وجود خصومت در روابط سیاسی و یا تعارضات فرهنگی می‌تواند مانعی در جهت جذب صاحبان صنایع و بازرگانان به مناطق آزاد یک کشور گردد. این عوامل علی‌رغم عوامل قانونی، اقتصادی و جغرافیایی شاید از جنبه چندان ملموسی برخوردار نباشند اما، در عمل و به لحاظ کیفی، تأثیر قابل توجهی در موفقیت کارکرد یک منطقه آزاد به همراه خواهند داشت. این عوامل تأثیر خویش را از طریق آثار خود بر سرمایه‌گذاری خارجی روشن می‌سازند. جذب سرمایه‌های خارجی علاوه بر وجود روابط حسنه میان کشورهای مورد نظر به مقوله دیگری که از آن تحت عنوان «ثبات سیاسی» یاد می‌شود نیز محتاج است. منظور از چنین ثباتی برای مناطق آزاد وجود شرایطی است که بتواند به سرمایه‌گذاری خارجی برای سرمایه‌گذاری میان مدت و بلندمدت، و برگشت سود آن اطمینان خاطر بدهد. نمونه بارز در این رابطه وجود ثبات سیاسی در مناطق آزاد مالزی و تأثیر آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد این کشور است. جنبه‌های سیاسی مانند ثبات سیاسی برای کل مناطق آزاد از اهمیت یکسانی برخوردار است، چرا که به هر حال همه آنها در یک کشور میزبان هستند. اما در مورد نقش ملاحظات فرهنگی در ضمن وجه اشتراک یاد شده، این جنبه‌ها و ملاحظات در برخی مناطق حتی می‌تواند نقش بیشتری نیز ایفا کند. به عنوان مثال در مناطق آزاد توریستی وجود یا عدم وجود برخی ملاحظات فرهنگی می‌تواند در رونق صنعت توریسم تأثیر بسزایی داشته باشد.

وجود برخی ملاحظات فرهنگی می‌تواند در عمل از جاذبه‌های ورود کارآفرینان و سرمایه‌های خارجی به مناطق بکاهد. اگرچه این امر بهایی است که برای حفظ شعائر فرهنگی پرداخته می‌شود اما به هر حال از دیدگاه یک ناظر خارجی که به مطالعه عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌های خارجی می‌پردازد این ملاحظات به مثابه یک مانع جلوه گر می‌شود.

۲- جنبه‌های قانونی

به طوریکه در مقدمه اشاره گردید، عوامل حقوقی و قانونی نقش اساسی در آزادی ورود صاحبان صنایع و بازرگانان به ویژه از خارج مرزهای ملی به مناطق آزاد کشور میزبان دارند این عوامل با ایجاد تسهیلات و امتیازات ویژه موانع ورود کارآفرینان را حذف کرده و یا کاهش می‌دهند. شاید که مهمترین جاذبه مناطق آزاد در این راستا را می‌توان در معافیت از حقوق و عوارض گمرکی قلمداد نمود^(۱).

مقررات قانونی زمینه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- ارائه تضمینهای لازم به سرمایه‌گذاران خارجی در مقابل مسأله ملی شدن (سلب مالکیت)؛

- معجز داشتن مالکیت صددرصد خارجیان؛

1-United Nations, Conference on Trade and Development Export Processing Free Zones in Developing Countries, New York 1985.

- امکان بازگشت کامل سود و سرمایه
- معافیت‌های مالیاتی چند ساله بر درآمد و سود شرکت
- اجاره طویل‌المدت زمین در مناطق با نرخهای پایین
- اعطای وام با نرخهای ترجیحی به فعالیتهای تجاری - صنعتی
- تصویب پروژه‌های سرمایه‌گذاری در محل بدون انجام تشریفات اداری و هم‌سویی و یگانگی قوانین و مقررات در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- آزادی استخدام اتباع خارجی
- آزادی مقررات ارزی
- آزادی ورود سرمایه‌ خارجی^(۱).

وجود چنین تسهیلات و امتیازات قانونی در مناطق آزاد، نسبت به سایر مناطق یک کشور، جاذبه‌های به مراتب بیشتری برای جذب سرمایه‌های خارجی ایجاد می‌نماید. در واقع این ویژگیها زمینه را برای رفع موانع جهت ورود کارآفرینان به اقتصاد کشور میزبان فراهم می‌آورد. کارکرد موفق مناطق آزاد کاملاً به وجود چنین شرایطی وابسته است.

۳- جنبه‌های اقتصادی

در مورد جنبه‌های اقتصادی در درجه اول باید به هماهنگی میان برنامه‌ها و سیاستهای به کار گرفته شده در مناطق و استراتژی توسعه کشور میزبان اشاره کرد. حتی گفته شده است که این تطابق و سازگاری مهمترین خصوصیت مناطق آزاد موفق بوده است. به عنوان مثال تناسب سیاستهای اقتصادی کشور و برنامه‌های مناطق آزاد در جمهوری کره نمونه مثبتی بر این ادعا و عدم تناسب سیاستها و استراتژی توسعه کشور و برنامه‌های مناطق آزاد در هندوستان نمونه دیگری بر صدق این ادعاست، به گونه‌ای که در جمهوری کره این هماهنگی باعث موفقیت مناطق و در هندوستان عدم سازگاری مذکور باعث عدم موفقیت مناطق آزاد این کشور گردیده است.

وجود بازارهای مناسب برای کسب فرصتهای سودآور از طریق تأسیس مناطق آزاد از جمله دیگر شرایط موفقیت یک منطقه آزاد است. بدین ترتیب هر چه بازارهای مناسب‌تری در جوار مناطق آزاد وجود داشته باشد احتمال موفقیت آن مناطق بیشتر خواهد شد.

پیش‌نیاز دیگر وجود نیروی کار ارزان در مناطق به ویژه مناطق آزاد پردازش کالاهای صنعتی است. درجه ارزانی نیروی کار در مناطق آزاد را با توجه به نسبت تفاوت آنها با سایر نقاط در اقتصاد جهانی می‌توان ارزیابی کرد. تفاوت نرخ دستمزد نیروی کار در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه حدود ۱۰ تا ۱۸ برابر است^(۲). چنین تفاوتی باعث حرکت و انتقال سرمایه از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه به واسطه مزیت نسبی این کشورها درباره فراوانی و ارزانی نیروی کار می‌گردد. بدین خاطر نرخ دستمزد پایین یکی از عوامل جذب سرمایه‌های خارجی به ویژه در مناطق پردازش صادرات صنعتی است و در نتیجه از عوامل موفقیت مناطق آزاد به شمار می‌آید. به واسطه همین امر نیز هست که معمولاً نیروی کار در کشورهای در حال توسعه به مناطق آزاد گسیل می‌شوند تا در کنار سایر عوامل تولید و

۱- طرح ارزیابی اقتصادی مناطق آزاد تجاری - صنعتی، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها مهرماه ۱۳۷۲، ص ۱۷۹.
2- Jean Currie, Export Processing Zones in the 1980S, EIU, Special Report No 190.

سرمایه‌های خارجی زمینه‌های پردازش صادرات و در ضمن افزایش اشتغال را فراهم آورند. هزینه‌های حمل و نقل نیز از جمله دیگر عوامل اقتصادی است که در توفیق یک منطقه آزاد نقش مهمی ایفا می‌کند. هزینه‌های حمل و نقل شامل هزینه‌های تخلیه محموله، تسهیلات کنترل، هزینه خدمات متداول و هزینه بار و بیمه می‌شود. پایین بودن هزینه‌های حمل و نقل از جمله عوامل اقتصادی موفقیت یک منطقه آزاد است البته باید اضافه کرد که شرایط و موقعیت جغرافیایی بر هر یک از عوامل اقتصادی از جمله بر هزینه‌های حمل و نقل و بازارهای مناسب تأثیر قابل توجهی می‌گذارد که در قسمت بعد بدان خواهیم پرداخت.

وجود امکانات زیربنایی اقتصادی شامل فرودگاه، اسکله، تأسیسات بندری، شبکه‌های ارتباطی مانند راه آهن و غیره از جمله ضروری‌ترین پیش‌نیازها برای کارکرد موفق مناطق آزاد است. تجربه مناطق آزاد موفق نشان می‌دهد که بدون چنین تأسیسات و امکانات زیربنایی امکان شکل‌گیری فعالیتهای اقتصادی چه در جنبه‌های صنعتی و یا در جنبه‌های تجاری وجود ندارد و هر کمبودی در امکانات فوق می‌تواند به طور جدی موفقیت یک منطقه آزاد را به مخاطره بیندازد.

۴- جنبه‌های جغرافیایی

جنبه‌های جغرافیایی که به طور تنگاتنگی با مسئله مکان‌یابی مناطق آزاد در ارتباط است یکی دیگر از عوامل مهمی است که در موفقیت یک منطقه آزاد نقش ایفا می‌کند. در هر یک از انواع مناطق آزاد شرایط جغرافیایی به گونه‌ای خاص ایفای نقش می‌کنند. در مناطق آزاد توریستی ضروری است که منطقه از شرایط آب و هوایی و جاذبه‌های دیدنی از نقطه نظر منابع طبیعی برخوردار باشد. مناطق آزاد تجاری باید در مسیر شاهراه‌های ارتباطی و همجوار با بازارهای مهم بین‌المللی بوده از شرایط آب و هوای مناسب برای نگهداری و انبار کالاها برخوردار باشد. همچنین در مناطق آزاد پردازش کالاهای صنعتی، وجود منابع فراوان انرژی و سایر منابع و مواد اولیه مورد نیاز برای تولید کالاهای صنعتی ضروری است که چنین منابعی در مناطق خاص جغرافیایی یافت می‌شود.

وجود شرایط جغرافیایی مناسب برای کارکرد موفق یک منطقه آزاد تحت عنوان ضوابط و شاخصهای مکان‌یابی مناطق آزاد نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این باره برخی ضوابط بدین ترتیب مطرح می‌شود:

- دوری از نواحی تشنج‌زا و بحرانی داخلی و خارجی
- امکان دسترسی به راههای آبی بین‌المللی
- امکان دسترسی به مسیرهای عمده ارتباطی منطقه‌ای، داخلی و خارجی
- نزدیکی به بازارهای مصرف
- دسترسی به تسهیلات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی از نقطه نظر جغرافیایی
- دسترسی به نیروی کار ارزان و ماهر از نقطه نظر جغرافیایی
- امکان دسترسی به نوار مرزی^(۱)

ملاحظه می‌شود که وجود شرایط جغرافیایی لازم در مورد هر یک از موارد فوق‌الذکر تأثیر

۱- ارزیابی قابلیت‌های منطقه سرخس بر اساس ضوابط مکان‌یابی مناطق آزاد، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها، دفتر بررسیهای اقتصادی، تیرماه ۱۳۷۴، صفحه ۴ و ۵.

قابل توجهی در موفقیت یک منطقه آزاد دارد. رعایت ضوابط و شاخصهای مکان‌یابی که ناظر بر جنبه‌های جغرافیایی تأمین مناطق آزاد می‌باشد، بدون تردید از عوامل مهم موفقیت یک منطقه آزاد است، تجربه مناطق آزاد موفق نشان می‌دهد که در نظر گرفتن این شاخصها و ضوابط به ویژه موارد یاد شده تا چه اندازه زمینه کارکرد مناسب یک منطقه آزاد را فراهم ساخته است. انتخاب بنادر به عنوان مناطق آزاد خود شاخص گویایی برای رعایت چنین ضوابطی است؛ چرا که معمولاً در بنادر امکان دسترسی به راههای آبی بین‌المللی و امکان دسترسی به مسیرهای عمده ارتباطی منطقه‌ای و جهانی وجود دارد و از این طریق زمینه نزدیکی به بازارهای هدف فراهم می‌شود. همچنین انتخاب نواحی خاص که در نوار مرزی یک کشور قرار گرفته نیز به همین دلایل صورت می‌گیرد.

البته باید یادآوری کرد برخی نواحی داخلی نیز می‌تواند دارای شرایط و ضوابط یک منطقه آزاد باشد. در میان مناطق آزاد کشور، منطقه ویژه اقتصادی سیرجان نمونه چنین مناطقی است، اگرچه باید گفت که این مناطق نیز به واسطه موقعیت خاص جغرافیایی خویش به گونه‌ای همان اهداف را تأمین می‌کند، به عنوان مثال منطقه ویژه سیرجان به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه آهن سرتاسری بافق - بندرعباس در واقع به مسیرهای عمده ارتباطی منطقه‌ای، داخلی و خارجی دسترسی دارد.

با توجه به جنبه‌های فرهنگی، سیاسی، قانونی، اقتصادی و جغرافیایی می‌توان مجموعه عوامل موفقیت کارکرد یک منطقه آزاد را درک کرد. باید یادآوری کرد که وجود مجموعه عوامل مختلف در کنار یکدیگر بوده که باعث موفقیت مناطق آزاد گردیده است بنابراین باید بررسی موفقیت یا عدم موفقیت کارکرد مناطق آزاد با توجه به همه جنبه‌های یاد شده صورت گیرد.

فصل دوم: کارکرد مناطق آزاد در ایران

کارنامه مناطق آزاد تجاری در ایران «موفق» به حساب نمی‌آید. این مناطق طی سالهای گذشته - اعم از سالهای پس از تصویب قانون و قبل از آن - به عنوان بارانداز واردات غیرعادی سرزمین ایران عمل کرده‌اند. در واقع مروری بر شاخصهای اصلی که مشخص‌کننده کارکرد یک منطقه آزاد دانسته می‌شود، در مورد مناطق آزاد ایران مضمون از «درجا زدن» ارزیابی می‌شود. فی‌المثل آمارهای مربوط به میزان جذب سرمایه خارجی یا اساساً در گزارشها وجود ندارد، و یا اگر هست نزدیک به «صفر» می‌باشد. همین وضعیت در مورد صادرات مناطق آزاد عیناً به چشم می‌خورد. وضعیت موافقت اصولی‌های به نتیجه رسیده نیز شرایط بهتری ندارد. و قس علی‌ذلک.

ذیلاً وضعیت شاخصهای اصلی که به دنبال پیگیریهای فراوان سرانجام معلوم شد وضعیت مطلوبی ندارند و به همین دلیل در گزارشهای ارسالی منعکس نشده‌اند، معرفی می‌گردد:

الف: در مورد منطقه قشم:

- ۱ - اطلاعات مربوط به سالهای قبل از سال ۱۳۷۴ در مورد هر یک از وارد فعالیتهای اقتصادی
- ۲ - اطلاعات مربوط به میزان سرمایه‌گذاری خارجی طی سالهای گذشته (سال ۷۴ هم وجود ندارد)
- ۳ - اطلاعات مربوط به میزان سرمایه‌گذاری داخلی طی سالهای گذشته (سال ۷۴ هم وجود ندارد)
- ۴ - اطلاعات مربوط به میزان صادرات به ویژه صادرات صنعتی طی سالهای گذشته (سال ۷۴ هم

وجود ندارد)

۵- اطلاعات مربوط به سطح متوسط دستمزدها در سالهای گذشته^(۱) (سال ۷۴ هم وجود ندارد)

ب: در مورد منطقه کیش:

۱- اطلاعات مربوط به سالهای قبل از سال ۱۳۷۴ در مورد هر یک از موارد فعالیتهای اقتصادی

۲- اطلاعات مربوط به موافقتهای اصولی صادر شده و به بهره‌برداری رسیده

البته لازم به گفتن است که در برخی مناطق فعالیتهای پراکنده عمرانی و زیربنایی انجام شده لکن تا رسیدن به نقطه مطلوب راه بسیار طولانی در پیش است.

در مجموع می‌توان اظهار نظر کرد که مناطق آزاد در ایران در سالهای گذشته کارکرد موفقی نداشته و صرفاً به «رانت جویی» گروههای خاص انجامیده و نظر قانونگذار را به عنوان بستر توسعه اقتصادی مناطق خاص و همجوار، تحقق نبخشیده است.

فصل سوم: علل عدم موفقیت مناطق آزاد در ایران

۱- در این شرایط موجود در مناطق آزاد کشور را با شرایط مناطق آزاد موفق (بر اساس علل موفقیت این مناطق آزاد) مقایسه کرده و در نهایت در مورد علل عمده عدم موفقیت مناطق آزاد قضاوت می‌نماییم. در این قضاوت اگرچه جنبه‌های کمی تحلیلهای هزینه - فایده نیز علی‌رغم عدم وجود اطلاعات و آمار لازم مورد توجه است اما تحلیل بر اساس جنبه‌های کیفی بیشتر ابعاد تحلیلی دارد. و بر این اعتقاد جنبه‌های فوق نقش اصلی در تحلیل مسائل مناطق آزاد ایفا می‌کند. همچنین لازم به یادآوری است که در تحلیل کمی هزینه - فایده در مورد مناطق آزاد اندازه‌گیری منافع حاصل از یک منطقه آزاد بسیار مشکل است و به اذعان بسیاری از محققین غالباً در مواردی نظیر اشتغال ایجاد شده بیش از حد درباره آن اغراق شده و بالعکس در مواردی نظیر آثار کلان اقتصادی منطقه بر کشور میزبان کمتر از واقع بدان توجه شده است. در نتیجه اندازه‌گیری هزینه‌های مستقیم تا حدودی آسانتر است؛ چرا که غالباً هزینه‌های قابل توجهی را برای ساختمان، خرید زمین و آماده‌سازی زمین، خدمات عمومی و غیره در بر می‌گیرد.

اما مسأله پیچیده‌تر، اندازه‌گیری هزینه‌های غیرمستقیم است. به عنوان مثال تمامی مناطق آزاد تجاری انگیزه‌های مالی به سرمایه‌گذاران اعطا می‌کند. این انگیزه‌ها به خاطر معافیت مالیاتی، سوبسیدهای اعطایی غیر معمولاً برای کشور میزبان هزینه‌هایی را ایجاد می‌کنند که بایستی هر گونه تحلیل هزینه - فایده در نظر گرفته شود. مطالعات انجام شده توسط UNCTC - LLO نشان می‌دهد که این سوبسیدها با هزینه‌های غیرمستقیم بسیار متفاوت هستند و بدین لحاظ مقایسه آنها بر یک مبنای بین‌المللی بسیار مشکل می‌نماید^(۲).

۲- در بررسی علل عدم موفقیت مناطق آزاد کشور از جنبه‌های سیاسی آغاز می‌کنیم. در این رابطه می‌توان گفت که وجود برخی خصوصتهای سیاسی از سوی ابرقدرتها با جمهوری اسلامی ایران باعث شده که

۱- متأسفانه فقدان آمار مربوط به دستمزد، امکان یک ارزیابی روزآمد از مقایسه وضعیت دستمزدها در مناطق آزاد ایران و سایر کشورها را به نحو دقیق فراهم نمی‌سازد و تحلیل ارائه شده در این خصوص در فصول بعدی، براساس برآورد انجام شده است.

۲- طرح ارزیابی اقتصادی مناطق آزاد تجاری - صنعتی، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها، مهرماه ۱۳۷۲، صفحه ۱۹۱.

بسیاری از صاحبان صنایع و بازرگانان که به نوعی به آن قدرتها وابستگی دارند کمتر جذب مناطق آزاد کشورمان گردند. از سوی دیگر، حساس بودن منطقه خلیج فارس و قلمداد شدن آن به عنوان منطقه‌ای که منافع استراتژیک قدرتها در آن مدنظر بوده است همگی باعث شده که این ذهنیت در افکار کارآفرینان اقتصادی به وجود آید که این منطقه از ثبات سیاسی و امنیت لازم برای سرمایه‌گذاریهای اقتصادی به ویژه سرمایه‌گذاریهای بلندمدت برخوردار نیست و در شرایطی که مناطق آزاد رقیب در سایر نقاط جهان از جمله در منطقه پاسیفیک، از وضعیت مناسبتری برخوردار هستند، ناگزیر بسیاری از سرمایه‌های خارجی بدان سو گسیل می‌گردند. باید در نظر داشت که این عامل یا عوامل سیاسی بستگی به عملکرد مناسب همه کشورهای حوزه خلیج فارس داشته و سعی در ایجاد آن در کوتاه‌مدت چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. بنابراین با در نظر گرفتن این پارامتر و هزینه‌های ناشی از آن باید در مورد کارکرد مناطق آزاد در منطقه خلیج فارس داوری کرد.

۳- مقوله دیگر، جنبه فرهنگی است. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع و بازرگانان کشورهای خارجی نوعاً چندان مقید به رعایت شعائر فرهنگی کشورهای اسلامی نیستند، تأکید کشورهای اسلامی از جمله ایران اسلامی به حفظ این شعائر در مناطق آزاد - که چاره‌ای جز آن متصور نیست - باعث می‌گردد که این کارآفرینان و صاحبان صنایع تمایل بیشتری به حضور در مناطق آزاد سایر کشورها پیدا کنند، به ویژه که تأثیر این عوامل فرهنگی در مناطق آزاد توریستی مانند کیش از اهمیت بیشتری برخوردار است. اما باید گفت که در مورد این عامل نیز نمی‌توان تغییری ایجاد کرد. از این رو، باید با پذیرش وجود چنین شرایطی و با در نظر گرفتن آثار آن در مورد عملکرد مناطق آزاد قضاوت کرد و تلاش در جهت ایجاد کردن جاذبه‌های حقوقی، اقتصادی و غیره را بیشتر نمود. بدین ترتیب، مناطق آزاد کشور در مقایسه با مناطق آزاد سایر کشورها تحت تأثیر برخی شرایط سیاسی و فرهنگی خاصی قرار دارد که برخی نارساییها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

۴- از جمله شرایط ورود کارآفرینان و سرمایه‌های خارجی به مناطق آزاد مجاز دانستن مالکیت کامل خارجی‌ان بوده است. به عنوان مثال، در مناطق آزاد کره جنوبی، هنگ کنگ، سنگاپور، دبی و چین حق مالکیت خارجی ۱۰۰ درصد است اما بر اساس قوانین موجود ایران مشارکت افراد خارجی ملزم به رعایت قانون مربوطه در قانون اساسی بوده که دلالت بر آن دارد که مالکیت ۱۰۰ درصد خارجی‌ان مجاز نمی‌باشد. در همین رابطه باید اضافه کرد که تا قبل از تصویب قانون مناطق آزاد در زمستان ۱۳۷۲ بر اساس قوانین مربوطه حداکثر سقف مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی ۴۹ درصد بوده است. پس از تصویب قانون مناطق آزاد نیز بر رعایت قانون اساسی در این زمینه تأکید شد. بدین ترتیب که با استناد به ماده ۸ قانون مناطق آزاد: «سازمان و شرکتهای تابع آن مجاز هستند قراردادهای لازم را با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی منعقد نمایند و با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با رعایت اصول قانون اساسی برای انجام طرحهای عمران و تولیدی مشارکت کنند، اختلافها و دعاوی ناشی از قراردادهای منعقد شده حسب توافقات و تعهدهای قراردادی دو طرف، رسیدگی و حل و فصل می‌شود.» در این شرایط تفاوت چشمگیری در مورد حق مالکیت خارجی به وجود نیامده است اگر چه در «مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران» ماده ۵ آمده است که: «سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند در فعالیتهای اقتصادی منطقه به هر نسبتی مشارکت نمایند.» و بنا بر اظهارات دبیر شورای عالی مناطق آزاد سقف محدود دکننده ۴۹ درصد برای شرکای خارجی در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک برداشته شده و شرکای خارجی

می‌توانند با شرکای داخلی به هر نسبت قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به امضا برسانند. به هر حال حتی در این تعدیلات نیز حق مالکیت کامل شرکای خارجی پذیرفته نشده است. و علاوه بر این وجود ابهامات در قانون فراگیر و قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خود می‌تواند سرمایه‌گذار خارجی را دچار مشکل سازد. به هر حال به نظر می‌رسد که عدم پذیرش حق مالکیت کامل طرفهای خارجی در سرمایه‌گذاریهای مناطق آزاد کشور در مقایسه با کشورهای که این حق را به سرمایه‌گذاران خارجی می‌دهد می‌تواند یکی از موانع اصلی جذب کارآفرینان اقتصادی و سرمایه‌های خارجی و در پی آن آثار مثبت مناطق آزاد به شمار آید.

۵- مسأله دیگر در ارتباط با معافیت از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی در مورد فعالیتهای مختلف به گونه‌ای یکسان می‌باشد. طبق ماده ۱۳ قانون مناطق آزاد: «اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیتهای اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز به مدت پانزده سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم معاف خواهند بود و پس از انقضای پانزده سال تابع مقررات مالیات خواهند بود که با پیشنهاد هیأت وزیران به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.»

ایرادی که در این رابطه مطرح است آن است که در این ماده همه فعالیتهای سرمایه‌گذاری، صنعتی، تجاری و واسطه‌ای در واقع از معافیت یکسانی برخوردار شده‌اند در حالی که باید فعالیتهای مولد از معافیهایی بیشتری برخوردار باشند. این امر با توجه به غلبه فعالیتهای واسطه‌گری و دلالتی در بخش خدمات نسبت به فعالیتهای مولد در بخشهای صنعتی و کشاورزی و سایر بخشهای خدماتی نقش و تأثیر مناسبی نخواهد داشت و وضعیت موجود را تداوم و گسترش می‌دهد.

۶- استخدام اتباع خارجی در اکثر مناطق آزاد موفق جهان مانند کره جنوبی، چین، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور، دوبی، ترکیه، منعی وجود ندارد. در حالی که در «مقررات اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد ایران» برخی موانع به شرح ذیل طرح شده است. بر اساس تبصره ماده ۴۱ از فصل ششم گفته شده که: «در هر صورت نسبت کارگران خارجی نباید از ده درصد (۱۰٪) کل شاغلان هر منطقه بیشتر باشد.»

ملاحظه می‌شود که بدین ترتیب در واقع تنها بخش کوچکی از نیروهای کار به اتباع خارجی اختصاص داده شده است.

۷- در مورد مقررات ارزی نیز موانع جدی و مهمی در مناطق آزاد مشاهده می‌شود که خود یکی از دلایل مهم عدم موفقیت مناطق آزاد کشور به شمار می‌آید. در کشورهایی با مناطق آزاد موفق نوعاً آزادی مقررات ارزی، ملاحظه می‌گردد.

در مورد سیاستهای ارزی نیز در آیین‌نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور در بند (ب) از ماده ۱۱ می‌آید: «بانک مرکزی ضمن تدوین سیاستهای پولی و اعتباری کشور برای بانکها و مؤسسات منطقه ترتیبات ویژه‌ای را در نظر خواهد گرفت که موجبات تسهیل در مورد سرمایه‌گذاری در این مناطق و حفظ موقعیت رقابتی آنها در مقابل مناطق آزاد دیگر کشورها فراهم آید.»

ملاحظه می‌شود که این بند جزئیات نظام ارزی مناطق آزاد را بیان نداشته و تنها به کلیات بسنده کرده است. عدم تفکیک روشن و مشخص نظام ارزی مناطق آزاد از نظام ارزی اقتصاد داخلی باعث ابهام و ایجاد خلل در تصمیم‌گیریهای سرمایه‌گذاران خارجی گردیده است. به همین خاطر است که در انتقاد به قوانین موجود در ارتباط با نظام ارزی مناطق آزاد پیشنهاد شده است که: نظام ارزی مناطق آزاد شناور باشد و برابری

ریال ایران با اسعار مختلف طبق شرایط بازار آزاد و بر اساس عرضه و تقاضا تعیین گردد. ورود ارز از منطقه به سرزمین اصلی آزاد و خروج ارز به هر شکل از سرزمین اصلی به منطقه تابع مقررات بانک مرکزی است. لیکن نقل و انتقال ارز بین مناطق و سایر کشورها آزاد باشد.

۸- از جمله مشکلات مهم دیگر، وجود برخی قوانین و مقررات اداری در مورد شیوه مدیریت مناطق آزاد می باشد. تداخل وظایف رئیس منطقه آزاد و سایر نهادهای انتظامی و کشوری موانعی در جهت کارکرد مناسب این مناطق به وجود آورده است که ضرورت طرح شیوه های تازه تری برای مدیریت اجرایی مناطق را می طلبد. در این رابطه عدم انسجام و وحدت مدیریت مناطق از جمله علل کارکرد ناموفق مناطق ذکر شده است.

۹- توجه به شاخصهای اقتصادی مناطق آزاد کشور و مقایسه آن با شاخصهای مناطق آزاد موفق ضروری به نظر می رسد. در مباحث پیشین گفتیم که هماهنگی استراتژی توسعه و سیاستهای اقتصادی به کار گرفته در مناطق آزاد از جمله پیش شرطهای اصلی موفقیت مناطق آزاد می باشد. به نظر می رسد عملکرد مناطق آزاد کشور به هیچ وجه چنین هماهنگی را نشان نمی دهد. استراتژی توسعه کشور که در جهت توسعه صادرات غیر نفتی شکل گرفته و به افزایش رشد و توسعه اقتصادی معطوف می باشد با کارکرد وارداتی مناطق آزاد در ایران ناسازگار است. مناطق آزاد به ویژه منطقه آزاد کیش عملاً به منطقه پردازش واردات تبدیل شده است. بدین ترتیب، عدم وجود سازگاری میان استراتژی توسعه کشور و کارکرد کلی مناطق آزاد تاکنون یکی از عوامل مهم عدم موفقیت مناطق آزاد کشور به شمار می رود.

۱۰- در مورد شاخصهای اقتصادی باید گفت که شاخص نرخ دستمزد یکی از مهمترین شاخصهاست که پایین بودن آن عامل موفقیت به شمار می رود. به عنوان مثال در منطقه کیش سطح دستمزدها در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه بالاتر است چرا که اگر متوسط دستمزد یک کارگر ساده در کیش را ماهانه ۱۸ هزار تومان در نظر بگیرید. دستمزد ساعتی با احتساب نرخ ارز شناور با در نظر گرفتن روزانه ۸ ساعت کار معادل ساعتی ۰/۵۳ دلار خواهد بود که در مقایسه با سطح دستمزدها در کشورهایی مانند فیلیپین، موریس، سریلانکا، هندوستان، اندونزی و جامائیکا و برخی دیگر از کشورهای در حال توسعه بالاتر است.

۱۱- شاخص دیگر هزینه ایجاد هر شغل است. این شاخص در کیش ۱۴۷۰۰ دلار محاسبه شده که در مقایسه با شاخصهای بین المللی که بین دو تا پنج هزار دلار است رقم بسیار بالایی محسوب می شود. در قشم رقم هزینه ایجاد هر شغل معادل ۳۰,۰۰۰ دلار محاسبه شده است که تفاوت بسیار زیادی با شاخصهای بین المللی دارد.

۱۲- شاخص دیگر، اجاره هر متر مربع زمین در منطقه آزاد است. در منطقه کیش اجاره هر متر مربع زمین برای فعالیتهای مختلف صنعتی، تولیدی تجاری و مسکونی به ترتیب دارای نرخهای ۱۰,۰۰۰ ریال، ۸۰,۰۰۰ ریال و ۷۹۰۰۰ ریال در سال است. اگر نرخ اجاره هر متر مربع زمین برای فعالیتهای تولیدی و صنعتی در کیش را (حدود ۰/۵۹ دلار در ماه با احتساب نرخ شناور ارز) با کرایه هر متر مربع زمین در بندر جبل علی دبی (۱/۴۵ دلار) مقایسه کنیم رقم پائینی به نظر می رسد. اما در مورد نرخ اجاره زمین در خصوص فعالیتهای تجاری، کرایه هر متر مربع زمین حدود ۴/۷ دلار است که در مقایسه با معیارهای بین المللی رقم نسبتاً بالایی است. در مورد عوامل اقتصادی عدم موفقیت مناطق آزاد کشور در نهایت می توان گفت که عدم سازگاری

میان استراتژی توسعه کشور مبتنی بر توسعه صادرات با عملکرد مبتنی بر پردازش واردات در مناطق آزاد و بالا بودن نرخ دستمزدها، هزینه اجاره زمین و شاخصهای دیگر نسبت به شاخصهای بین‌المللی همگی باعث عدم توفیق در کارکرد مناطق آزاد می‌شود و بالاخره از لحاظ جغرافیایی علی‌رغم آنکه به لحاظ ضوابط مکان‌یابی بسیاری از ضوابط در مناطق آزاد کشور وجود دارد اما برخی کمبودها باعث شده است که عملاً مشکلاتی به وجود آید، یکی از مهمترین این موارد که در اینجا می‌توان بدان اشاره کرد آن است که مناطق آزاد در مناطقی که دارای امکانات زیربنایی کافی و از سطح بالایی از عمران و آبادی برخوردار باشند تأسیس نشده‌اند بنابراین، بخش قابل توجهی از بودجه این مناطق صرف عمران و آبادانی و تأسیس امکانات زیربنایی مناطق گردیده است که خود زمینه بالا رفتن قیمت‌ها در این مناطق را فراهم آورده است. اما به نظر می‌رسد که به طور کلی با توجه به مجموعه شرایط به لحاظ ناحیه جغرافیایی نتوان اشکالات اساسی بر مکان‌یابی مناطق آزاد در ایران وارد کرد و به هر حال می‌توان با استفاده از نقاط قوت در همین مناطق از کارایی بالایی برخوردار گردید.

توضیحاً در مورد مستندات وضعیت استخدام اتباع خارجی در مناطق آزاد ایران و وضعیت دستمزد نیروی کار در این مناطق که در گزارش دلایل عدم موفقیت مناطق آزاد در ایران بدانها اشاره شده است توضیحات زیر ارائه می‌شود:

۱- ادعای محدودیت استخدام اتباع خارجی در مناطق آزاد کشور به تبصره ماده ۴۱ از فصل ششم مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در این مناطق استناد می‌گردد. بر اساس این تبصره «در هر صورت نسبت کارگران خارجی نباید از ده درصد (۱۰٪) کل شاغلان هر منطقه بیشتر باشد».^(۱) بدین ترتیب به روشنی می‌توان استنباط کرد که آزادی کامل برای استخدام اتباع خارجی در مناطق آزاد کشور وجود ندارد.

۲- در مورد وضعیت دستمزدها و مقایسه آنها با دستمزدها در مناطق آزاد سایر کشورها به استدلالات و منابع مربوط در «طرح ارزیابی اقتصادی مناطق آزاد تجاری - صنعتی» که توسط معاونت پژوهشی مرکز پژوهشهای مجلس اجرا گردیده، استناد شده است.^(۲) در این طرح به عنوان مثال در مورد وضعیت دستمزد نیروی کار در منطقه کیش گفته شده که اگر متوسط دستمزد یک کارگر ساده در کیش را ماهانه ۱۸ هزار تومان در نظر بگیریم، دستمزد ساعتی با احتساب نرخ ارز شناور و با در نظر گرفتن روزانه ۸ ساعت کار معادل مساحتی ۵۳/۰ دلار خواهد بود. مقایسه این رقم با متوسط دستمزد ساعتی در صنایع مختلف در مناطق آزاد جهان نشان می‌دهد که این نرخ در مقایسه با کشورهای مانند فیلیپین، موریس، سریلانکا، هندوستان، مالزی و جامائیکا و برخی دیگر بالاتر است. در این طرح برای این مقایسه به جدول زیر استناد شده است.

۱- قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی مناطق آزاد تجاری - صنعتی، شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی، ص ۴۷
۲- طرح ارزیابی اقتصادی مناطق آزاد تجاری - صنعتی، مجلس شورای اسلامی مرکز پژوهشها، معاونت پژوهشی مهرماه ۱۳۷۲، ص ص ۲۴۲-۲۴۳

جدول مقایسه متوسط دستمزد ساعتی در صنایع الکترونیک، منسوجات و پوشاک در مناطق آزاد کشورهای در حال توسعه و آمریکا و ژاپن (واحد دلار آمریکا)

کشور یا منطقه	صنعت الکترونیک	صنعت منسوجات و پوشاک
مکزیک (۱۹۸۰)	۰/۷۵	۰/۷۵
جمهوری کره (۱۹۸۰)	۰/۹	۰/۸
سنگاپور (۱۹۸۰)	۰/۹۱	۰/۵۹
هنگ کنگ (۱۹۸۰)	۰/۹۷	۱/۰۳
مالزی (۱۹۸۰)	۰/۴۲	—
موریس (۱۹۸۱)	—	۰/۳۲
فیلیپین (۱۹۷۸)	۰/۳	۰/۱۷
دومینیک (۱۹۸۰)	۰/۵	۰/۵
سرلانکا (۱۹۸۱)	—	۰/۱۲
هندوستان (۱۹۸۱)	—	بیش از ۰/۲
اندونزی (۱۹۸۲)	—	۰/۱۳
جامائیکا (۱۹۸۴)	—	۰/۲۶
باربادوس (۱۹۸۴)	۱/۱۵	۱/۰۵
ژاپن (۱۹۸۰)	۵/۹۷	۳/۹۶
ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۰)	۶/۹۶	۴/۵۷

مأخذ: OECD, Investing in free Export processing zones. PARIS 1984. P.29.

در پایان ملاحظه می شود که علل گوناگونی از جنبه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قانونی و بالاخره جغرافیایی زمینه آن را به وجود آورده که مناطق آزاد کشور نتواند به اهداف خود تاکنون دست یابد اما می توان از طریق فراهم آوردن زمینه های لازم جهت گیری فعالیتها در مناطق را به گونه ای هدایت کرد که نهایتاً به سوی رشد و توسعه اقتصادی رهنمون گردد.